





# انتخابات؛ تکرار یا تغییر

سید محمد حسین راجی  
سید محمد رضا خاتمی  
محسن فوجی

فصل اول:

- ۱۳ ----- چرایی شرکت در انتخابات: پاسخ به چند شبهه ذهنی
- ۱۵ ----- سؤال اول: چرا باید رأی بدهیم؟
- ۱۵ ----- رأی دادن حق ماست!
- ۱۵ ----- رأی ندادن تأثیری ندارد!
- ۱۶ ----- هریرگه رأی اهمیت دارد!
- ۱۷ ----- شرکت در انتخابات؛ گامی در مسیر مردم سالاری
- ۱۸ ----- رئیس جمهور اقلیت، رئیس جمهور اکثریت
- ۱۸ ----- حمایت از سیاست های اقتصادی
- ۱۹ ----- قدم بعدی چیست؟
- ۲۰ ----- فقط نیم ساعت!
- ۲۱ ----- سؤال دوم: شرکت در انتخابات در کشوری که آزادی نیست چه معنادارد؟
- ۲۱ ----- آزادی و مردم سالاری در دوران پهلوی
- ۲۱ ----- الف. انتخابات و مشارکت
- ۳۵ ----- ج. احزاب
- ۳۷ ----- آزادی در جمهوری اسلامی
- ۳۷ ----- الف. انتخابات
- ۳۷ ----- ب. اقلیت ها
- ۴۳ ----- آزادی در غرب
- ۴۴ ----- آزادی بیان (برخورد با منتقدان)
- ۵۱ ----- انتخابات و مشارکت

- سؤال سوم: چرا شورای نگهبان در کشور وجود دارد؟ چرا اجازه داده نمی شود مردم ... ۵۵
- ضرورت وجود نهادی ناظر بر انتخابات ----- ۵۵
- مراجع اعمال نظارت بر انتخابات در کشورهای مختلف دنیا ----- ۵۶
- نظارت استصوابی در کشورها ----- ۵۹
۱. استصوابی بودن نظارت ----- ۵۹
۲. عدم پاسخ گویی مرجع نظارتی درباره تصمیماتش ----- ۶۰
- سؤال چهارم: مگر نظام در طول این چهل سال برای مردم کاری انجام داده ... ----- ۶۳
- الف. علم ----- ۶۳
- اهمیت علم ----- ۶۳
- وضعیت علمی ایران در دوران پهلوی ----- ۶۹
- چهار مرحله پیشرفت علمی - دانشگاهی ----- ۷۱
- رشد علمی ایران ----- ۷۳
- ارتقای کیفیت و سطح مقالات تولیدی در دانشگاه های ایران ----- ۷۷
- حرکت در مسیر فناوری و محوری ----- ۷۹
- آشنایی با زیست بوم فناوری و نوآوری ایران ----- ۸۳
- موانع موجود بر سر راه پیشرفت علمی کشور ----- ۸۷
- ب. برخورداری های عمومی و اقتصاد ----- ۸۹
- وضعیت اقتصاد و عدالت اجتماعی در دوران پهلوی ----- ۸۹
- گسترش برخورداری های عمومی پس از انقلاب اسلامی ----- ۹۳
- شاخص توسعه انسانی ----- ۱۰۲
- ضریب جینی ----- ۱۰۴
- فقر ----- ۱۰۷
- نتیجه گیری ----- ۱۱۰
- ج. ایستادگی و مقاومت در مقابل بحران ها ----- ۱۱۱
- برخی توطئه های تجزیه طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی: ----- ۱۱۲
- برخی توطئه های چهل ساله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۱۳
- برخی توطئه های چهل ساله فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۱۴
- برخی توطئه های چهل ساله تفرقه افکنانه مذهبی علیه جمهوری اسلامی ...: ----- ۱۱۵



- برخی توطئه‌های چهل ساله اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۱۶
- برخی توطئه‌های چهل ساله امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۱۷
- برخی توطئه‌های چهل ساله سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۲۰
- برخی توطئه‌های چهل ساله بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران: ----- ۱۲۲

## فصل دوم:

- ریشه مشکلات کنونی کشور چیست؟ ----- ۱۲۵
۱. ریشه تاریخی مسئله کاهش ارزش پول در ایران ----- ۱۲۷
- صنعت نساجی در ایران ----- ۱۲۸
۲. تکیه به ذخایر ارزی نفتی برای حفظ ارزش پول ملی در دوران پهلوی ----- ۱۳۰
- بیماری هلندی ----- ۱۳۱
- اقتصاد ایران و بیماری هلندی ----- ۱۳۲
- ضعف تولید و قرار گرفتن توزیع به عنوان قطب توسعه ایران ----- ۱۳۳
۳. تلاش‌های صورت گرفته در دوران جمهوری اسلامی برای کاهش وابستگی به ... ۱۳۴

## فصل سوم:

- علاج مشکلات اقتصادی کشور ----- ۱۳۷
- بخش اول: نگاه به بیرون ----- ۱۴۱
- عاقبت لغو تحریم هابدون تقویت تولید داخل ----- ۱۴۴
- عربستان؛ اقتصاد نفتی بدون تحریم و بدون تولید ----- ۱۴۵
- انتظارات خارجی‌ها از کشورهای در حال توسعه برای سرمایه‌گذاری و ... ----- ۱۴۷
- هزینه‌های غیرقابل اجتناب حذف مقررات ورود و خروج سرمایه از کشور ----- ۱۴۷
- پیامدهای جذب سرمایه خارجی در کشورهای جنوب شرق آسیا ----- ۱۴۸
- افت شدید ارزش لیر ترکیه پس از رشد بادکنکی ناشی از جذب سرمایه ... ----- ۱۵۰
- خصوصی سازی سریع و بی ضابطه؛ بلای جان کشورها ----- ۱۵۴
- الف. روسیه دهه ۱۹۹۰ ----- ۱۵۵
- ب. آرژانتین ----- ۱۵۹
- کاهش دخالت دولت در بازار؛ توصیه ویران کننده امریکایی ها به شیلی ----- ۱۶۴

- نتیجه ----- ۱۶۵
- بخش دوم: نگاه به درون ----- ۱۶۷
- تجربه بریتانیا ----- ۱۶۸
- بریتانیا؛ کشوری عقب مانده تا قبل از سال ۱۶۰۰ ----- ۱۶۸
- هدایت اقتصاد از تولید پشم خام به سمت تمرکز بر تولیدات پشمی ... ----- ۱۶۹
- سیاست های حمایتی والپول ----- ۱۷۰
- موج اول انقلاب صنعتی و تولید انبوه محصولات نساجی در بریتانیا ----- ۱۷۱
- تغییر بزرگ در سیاست های تجاری بریتانیا، هم زمان با موج دوم انقلاب ... ----- ۱۷۱
- بازگشت دوباره سیاست های حمایت از تولید ----- ۱۷۲
- تجربه آمریکا ----- ۱۷۳
- امریکا؛ کشوری ضعیف و مستعمره بریتانیا ----- ۱۷۳
- الکساندر همیلتون؛ آغازگر حمایت از تولید داخلی در امریکا ----- ۱۷۳
- تصویب قانون تعرفه بر واردات و افزایش آن طی سال های متمادی ----- ۱۷۴
- کاهش نرخ تعرفه ها و افت رشد اقتصادی ----- ۱۷۴
- آبراهام لینکلن؛ منجی بزرگ ----- ۱۷۵
- روی آوردن به سیاستهای تجارت آزاد در امریکا پس از سبقت گرفتن از ... ----- ۱۷۵
- کنترل واردات خودر و از زاپین ----- ۱۷۵
- تجربه کره جنوبی ----- ۱۷۶
- کشوری ضعیف تحت حمایت امریکا ----- ۱۷۶
- بومی سازی اقتصاد و رشد چشم گیر کره ----- ۱۷۷
- تحریم های امریکا و رشد کره ----- ۱۷۸
- صیانت از بازار داخلی ----- ۱۸۱
- پایان رشد کره با ترور امریکایی ----- ۱۸۱
- ظرفیت های کشور برای حل مشکلات ----- ۱۸۳
- نمونه ای از دست آوردهای موفق کشور در حوزه تولید ----- ۱۸۹

## باسمه تعالی

«بعضی از ایام زندگی انسان، این خصوصیت را دارد که سرنوشت بخش عمده‌ای از زندگی را یا بخشی از زندگی را در آن انسان تعیین می‌کند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، مثل لیلۃ القدر که هر سال، لیلۃ القدر برای انسان سرنوشت ساز است. هنگام انتخابات هم برای یک ملت، برای یک دوره‌ای، برای برهه‌ای سرنوشت ساز است. لذا این لحظه را من شخصاً قدر می‌دانم و توصیه به ملت عزیزمان هم می‌کنم که قدر بدانند»<sup>۱</sup>

انتخابات در نظام مردم سالار کارکردهای ممتازی دارد که اهمیت و ضرورت توجه به آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

انتخابات عالی‌ترین مظهر حضور مردم در عرصه سیاسی و مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت مردم است. نظام مردم سالار نظام حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، نظام داشتن حکومتی برخاسته از مردم و پاسخگودر برابر مردم است.

انتخابات فرصتی است برای مردم که نظر خودشان را نسبت به شیوه حکومت و مدیریت یک دولت ابراز کنند و اگر نسبت به آن نارضایتی داشته باشند، کسی یا گروهی دیگر را که مناسب‌تر و با کفایت‌تر می‌شناسند، جایگزین کنند. بدین وسیله سیستم سیاسی رو به اصلاح و بهبودی و تکامل تدریجی پیش می‌رود.

---

۱. بیانات پس از اخذ رأی در انتخابات هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی و انتخابات میان دوره‌ای چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۶/۱۲/۲۴.



یکی از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند کردن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. فقدان قاعده‌ای برای انتقال و توزیع قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه، مصائب سیاسی گوناگونی به دنبال می‌آورد. انتخابات به گروه‌هایی که برای تصاحب قدرت سیاسی رقابت می‌کنند، تضمین می‌دهد که بهترین راه و شیوه کسب قدرت، حضور در انتخابات است. کسب قدرت از راه انتخابات ضمن دارا بودن مشروعیت لازم از سوی مردم، مسالمت‌آمیزترین شیوه رسیدن به اریکه قدرت است.

انتخابات زمینه‌های لازم برای چرخش نخبگان و دگرگونی در بخش‌هایی از گروه حاکم را به‌طور مستمر فراهم می‌کند. در یک نظام مردم‌سالار قدرت در چرخش است و به‌طور مداوم دست به دست شده و هیچ‌کس برای همیشه از دستیابی به قدرت محروم نمی‌شود.

انتخابات و مشارکت سیاسی مردم، خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمنان است که در عین حال موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت ملی کشور شده و پیامدهای مثبت منطقه‌ای و بین‌المللی برای هر نظام سیاسی خواهد داشت. از همین رو است که دشمنان مدت‌ها پیش از هر انتخابات با تبلیغات گسترده و وسیع در پی القاء موج ناامیدی در بین مردم ایران برمی‌آیند تا مشارکت را در انتخابات به حداقل رسانده و در گام بعد مانع از انتخاب فرد اصلح شوند.

در چنین شرایطی وظیفه دلسوزان به کشور و مردم آن است که امید را در جامعه گسترش داده و مردم را برای انتخاب اصلح یاری کنند.

کتاب حاضر با همین هدف نگاشته شده است و در پی پاسخ به ۳ سؤال اصلی مردم درباره انتخابات است.

سؤال اول پیرامون لزوم مشارکت حداکثری در انتخابات است که در ذیل این عنوان به تبلیغات منفی دشمن نسبت به موضوعاتی نظیر نبود آزادی در ایران و عدم کارآمدی نظام در چهار دهه گذشته پرداخته می‌شود.



سؤال دوم، درباره چرایی مشکلات کشور در بحث اقتصادی - خصوصاً در سالهای اخیر- است.

و سؤال سوم، نیز راهکارهای حل مشکلات است، که با بررسی تجربه سایر کشورها ثابت می‌شود که «تنها راه نجات اقتصاد، نگاه به درون و جهش تولید» است.

در پایان لازم است از همه عزیزانی که در پژوهش این اثر ما را یاری نمودند تقدیر و تشکر نماییم و امیدواریم این اثر مورد رضایت حضرت بقیة الله «عجل الله فرجه الشریف» قرار گرفته باشد.

ایام اعیاد شعبانیه

۱۳۹۹/۱۲/۲۵

اندیشکده راهبردی سعاداء



## فصل اول:

چرایی شرکت در انتخابات: پاسخ به چند شبهه ذهنی







## سؤال اول: چرا باید رأی بدهیم؟

«چرا باید رأی بدهیم؟» این سؤال، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در هفته‌های پیش از انتخابات مطرح می‌شود. بی‌تردید، شرکت کردن در انتخابات، رفتاری دموکراتیک است و کسی نمی‌تواند ما را مجبور کند که رأی بدهیم یا رأی ندهیم. اما می‌توانیم دربارهٔ تصمیم خود فکر کنیم و آن را به بحث بگذاریم.

### رأی دادن حق ماست!

شرکت در انتخابات، «حق» بزرگ و مهمی است. همین امروز مردم بسیاری در جهان برای داشتن حق رأی می‌جنگند و عدهٔ بسیاری در این راه کشته می‌شوند. امروز در کشورهایی (مثل برخی از کشورهای عربی) زنان حق رأی ندارند و مردم برای احقاق این حق تلاش می‌کنند و در مواردی هزینه‌ای سنگین می‌پردازند.

تصور کنید بگویند مردم ایران دیگر حق رأی ندارند. آیا این خبر شما را ناراحت نخواهد کرد؟ آیا دلتان نمی‌خواهد برای تغییر دادن شرایط کاری کنید؟

حالا این حق در کشور ما وجود دارد؛ حقی که برای داشتن آن زحمت بسیاری کشیده شده است. امروز زنان و مردان، مستقل از زبان و رنگ و قومیت، حق دارند که رأی خود را در صندوق بیندازند. از این حق استفاده کنیم.

### رأی ندادن تأثیری ندارد!

چه می‌شود اگر به نظر ما، هیچ‌کدام از نامزدها مناسب نباشند؟

برخی از مردم فکرمی‌کنند که شرکت نکردن در انتخابات، یعنی رأی دادن به هیچ‌کدام از گزینه‌های موجود. آن‌ها فکرمی‌کنند که رأی ندادن به معنای اعتراض به فهرست نامزدهای انتخاباتی است و دوست دارند صدای اعتراضشان شنیده شود.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که صدای معترضان خاموش، شنیده نمی‌شود. انتخابات زیادی در طول تاریخ در کشورهای گوناگون وجود دارد که در آن‌ها اکثر مردم رأی ندادند. به عنوان معروف‌ترین مثال می‌شود به انتخابات سال ۱۹۹۶ آمریکا اشاره کرد. در انتخابات سال ۱۹۹۶ ایالات متحده، نزدیک به ۴۹ درصد از واجدین شرایط، در انتخابات شرکت کردند. ۴۹٫۲ درصد از این افراد به بیل کلینتون رأی دادند. به بیان دیگر، تنها ۲۴ درصد از واجدین شرایط امریکایی رئیس‌جمهور کشورشان را انتخاب کردند.

آیا فریاد سکوت مردمی که به پای صندوق‌های رأی نرفته بودند شنیده شد؟ آیا رأی مخالف ۷۶ درصد جمعیت آمریکا، از ورود کلینتون به کاخ سفید جلوگیری کرد؟ آیا بیل کلینتون کمتر از او باما رئیس‌جمهور بود؟

در انتخابات سال ۲۰۰۸ همین کشور، میزان مشارکت به بالاترین حد خود در طول چهار دهه رسید؛ انتخاباتی که اولین رئیس‌جمهور «سیاه‌پوست آمریکا» را به کاخ «سفید» رساند. سیاست‌مداران امریکایی به وضوح این پیام را شنیدند.

حتی یک مثال، از یک کشور، در یک دوره وجود ندارد که رأی ندادن، بریک چیز تأثیری مثبت گذاشته باشد.

### هر برکه رأی اهمیت دارد!

ممکن نیست که تمام نامزدهای انتخابات مثل هم باشند و پیروزی هر کدام از آن‌ها بر زندگی ما اثر نگذارد. حتی تفکرات رئیس‌جمهور کشور دیگر هم بر زندگی ما اثر دارد.

اما ممکن است با خود بگویید که یک رأی کمتری بیشتر، تفاوتی ایجاد نخواهد کرد. از نظر ریاضی تفاوت باریک برگ رأی برابر با «۰٫۰۰۰۰۰۰۰۰۲۵» درصد، یعنی تقریباً نزدیک به صفر است. پس یک رأی چه اهمیتی دارد؟



موضوع این جاست که شرکت در انتخابات، یک فرایند آماری است و نه یک تصمیم فردی.

چرا درست وقتی که شما قصد سفر دارید، ترافیک سنگین می شود؟ چرا وقتی تصمیم می گیرید که برای عید فرش منزلتان را به قالی شویی بدهید، قیمت افزایش پیدا می کند؟

جواب خیلی ساده است؛ چون دیگران نیز مثل شما می خواهند برای تعطیلات به مسافرت بروند و برای عید، فرش بشویند. تصمیم جمعی تک تک افراد باعث می شود که تغییری در سطح کلان رخ بدهد.

گاهی می گوئیم: «در تعطیلات همه به سفر خواهند رفت. من هم دلم می خواهد سفر کنم، اما به خاطر شلوغی جاده ها این کار را نمی کنم». ممکن است خیلی های دیگر نیز به همین موضوع فکر کنند. به این ترتیب، رفتار آماری و جمعی باعث کاهش تعداد سفرها خواهد شد. شرکت ما در انتخابات یک تصمیم فردی نیست، بلکه واکنشی است جمعی، که برآیند آن تأثیر مهمی خواهد داشت. به زبان ساده تر: «یک رأی مهم است، چون من تنها کسی نیستم که می گوید یک رأی مهم نیست».

### شرکت در انتخابات؛ گامی در مسیر مردم سالاری

هیچ کشوری از روز اول تاریخ به طور کامل دموکراتیک نبوده است. کشور ما هم برای رسیدن به امکان انتخاب، بهای زیادی داده است.<sup>۱</sup> با وجود این، فرایند مردم سالاری، فرایندی است که به آرامی رخ می دهد. لازم است مردم با حقوق و وظایفشان در یک نظام مردم سالار آشنا شوند و آرام آرام به سوی شرایط ایده آل اجتماعی حرکت کنند.

شرایط در هیچ کشوری ایده آل نیست؛ اما حضور مردم باعث می شود که یک کشور رفته رفته به ایده آل نزدیک شود. در مقابل، هر رأی خاموش، رسیدن به بلوغ کامل سیاسی را کند می کند.

۱. وضعیت انتخابات در دوران پهلوی در همین فصل آمده است.

## رئیس‌جمهور اقلیت، رئیس‌جمهور اکثریت

وقتی درصد مشارکت پایین باشد، نامزدها، جمعیت رأی‌دهنده‌ها را تحلیل می‌کنند. اگر متوجه شوند که بیشتر رأی‌دهنده‌ها جوان هستند، برنامه و شعارهایشان را برای قشر جوان تنظیم می‌کنند. ممکن است یک نامزد، اقشار پردرآمد را هدف قرار بدهد یا مخاطب نامزدی دیگر، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه باشد. به این ترتیب، نامزدها می‌توانند با صرف انرژی کمتری حداکثر آراء را به دست بیاورند.

اما اگر تمام واجدین شرایط پای صندوق‌های رأی بیایند، نامزدها به جای آن‌که به گروهی خاص توجه کنند، مشکلات و مسائل تمام کشور را مدنظر قرار خواهند داد و مجبورند برنامه خود برای تمام اقشار را بیان کنند که این مسئله در شناخت هرچه بهتر آن‌ها نیز مؤثر خواهد بود.

به همین ترتیب، اگر در گروهی خاص قرار دارید (دانشجویان، پزشکان، سالمندان، کتاب‌خوان‌ها، علاقه‌مندان به معماری پست‌مدرن و...) با شرکت در انتخابات، سهم خود و دوستانتان را از مطالبات سیاسی و اجتماعی افزایش می‌دهید.

## حمایت از سیاست‌های اقتصادی

برای یک لحظه به جواب این سؤال‌ها فکر کنید:

- فکر می‌کنید مالیات برای کارخانه‌دارها باید بیشتر از مالیات کارگران باشد؟ یا معتقدید که افزایش مالیات برای صاحبان مشاغل می‌تواند هزینه تولید را بالا ببرد و همین موضوع موجب افزایش بیکاری خواهد شد؟
- آیا دوست دارید که مالیات به جای خریدار، از فروشنده گرفته شود؟ یا فکر می‌کنید که فروشنده در نهایت این مالیات را با افزایش قیمت، جبران خواهد کرد و مهم نیست چه کسی مالیات را پرداخت می‌کند؟
- دوست دارید کالای خارجی را با تعرفه کمتری بخرید؟ یا فکر می‌کنید که حمایت از کار و کالای ایرانی اهمیت دارد؟





این سؤال‌ها به طور مستقیم بر زندگی شخصی شما اثر خواهند گذاشت. در انتخابات، موضوع فقط انتخاب یک فرد برای تصاحب یک جایگاه شغلی نیست. هرگز برای انتخاب مدیر یک بانک، انتخابات سراسری برگزار نمی‌شود؛ بلکه رأی دادن، به معنای حمایت یا عدم حمایت از یک جریان فکری اقتصادی است.

تورم، نرخ بیکاری، نسبت صادرات به واردات، میزان تولید نفت، حداقل دست‌مزد، قیمت نان و حتی سطح آب‌های زیرزمینی، به سیاست‌های رئیس‌جمهور، اعضای کابینه و مدیران دولتی بستگی دارد.

### قدم بعدی چیست؟

فکر می‌کنید رأی ندادن گزینه خوبی است؟ بعد از آن که رأی ندادید چه کار خواهید کرد؟ رأی ندادن شما چه اثر ملموسی بر جامعه و زندگی شخصی شما خواهد گذاشت؟ آیا با پایین آمدن درصد مشارکت، اضافه درآمد و یا بیمه ارزان‌تر دریافت می‌کنید؟

در کتاب کلیات علم اقتصاد، نوشته گریگوری منکیو، می‌خوانیم: «افراد عاقل به حاشیه فکر می‌کنند.» او این جمله را به عنوان یکی از اصول ده‌گانه اقتصاد در نظر می‌گیرد. اگر قرار باشد برای تعطیلات آخر هفته، بین شرکت در مهمانی و درس خواندن یکی را انتخاب کنیم، تمام فاکتورها به نفع مهمانی است و درس خواندن در محیطی کسل‌کننده، عاقلانه نیست. اما خوشی مهمانی، گذراست؛ در حالی که درس خواندن می‌تواند آینده ما را به طور کامل متحول کند. پس ماندن در خانه و درس خواندن، عاقلانه‌تر است.

تأثیر نرفتن پای صندوق (اگر تأثیری داشته باشد) گذراست. بعد از یک ماه، دیگر کسی از تعداد رأی‌های رئیس‌جمهور منتخب حرف نمی‌زند؛ اما تأثیر آرای اخذ شده، بیش از چهار سال دوام دارد. بر اساس نظر پروفسور منکیو (استاد دانشگاه هاروارد) شرکت در انتخابات، انتخابی عاقلانه‌تر است، چراکه اثرش دوام بیشتری دارد.

## فقط نیم ساعت!

بارها و بارها این جمله را شنیده ایم: «فلان شخص طی چهار سال مسئولیت، برای کشور چه کار کرد؟»

ما طی چهار سال برای کشور چه کار کردیم؟ آیا انداختن یک رأی در صندوق، آن قدر کار دشواری است که به استدلال‌های منطقی و دلایل محکم آکادمیک نیاز داشته باشد؟ آیا برای همه تصمیم‌هایمان ماه‌ها فکرمی‌کنیم؟ آیا نمی‌خواهیم برای توسعه مردم سالاری در کشور، هر چهار سال یک بار، فقط نیم ساعت وقت بگذاریم؟ فقط نیم ساعت!



## سؤال دوم: شرکت در انتخابات در کشوری که آزادی نیست چه معنا دارد؟

یکی از شبهات ذهنی برخی افراد در ایران، «نبود آزادی» است که به تبع این گزاره، انتخابات را هم غیرآزاد می‌دانند و دلیل شرکت نکردن خود را «عدم آزادی در ایران» مطرح می‌کنند.

این موضوع نیز مانند سایر موضوعات، بستر طرح شبهات و جنگ روانی دشمنان شده و به موج‌سازی و موج‌سواری درباره آن می‌پردازند. آنچه موجب به ثمر نشستن این موج‌سواری‌ها می‌شود، دروغ‌گویی و کتمان حقایق، در کنار عدم شناخت نسبت به تاریخ و واقعیت روز دنیا است. در این بخش به موضوع آزادی و مردم‌سالاری در دوران پهلوی، دوران جمهوری اسلامی و هم‌چنین در غرب می‌پردازیم.

## آزادی و مردم‌سالاری در دوران پهلوی

### الف. انتخابات و مشارکت

بررسی وضعیت انتخابات در دوران پهلوی اول و دوم، حاوی نکات ارزشمند و عبرت‌آموزی در زمینه انتخابات و مردم‌سالاری است. مرور خاطرات درباریان و گزارش‌هایی که آن‌ها خود از وضعیت انتخاب نمایندگان بیان می‌کنند، نشانه واضحی از وضعیت حاکم بر کشور در آن دوران است. محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ که پس از فرار از ایران نوشته است، درباره عدم سلامت در انتخابات آن دوران می‌نویسد:

انگلیسی‌ها این امر را کاملاً عادی و طبیعی می‌دانستند که انتخابات در ایران مطابق نظر و خواسته‌های خودشان صورت بگیرد. در زمان جنگ [جهانی دوم]

انتخابات ایران به این صورت انجام می‌گرفت که مثلاً صبح، مستشار سفارت انگلیس بالیستی حاوی هشتاد نامزد نمایندگی مجلس به دیدار نخست‌وزیر می‌رفت و بعد از ظهر همان روز، کاردار سفارت شوروی نام دوازده نفر از نمایندگان مورد نظر خود را به نخست‌وزیر می‌داد.<sup>۱</sup>

این وضعیت، تنها محدود به دوران جنگ جهانی و اشغال ایران نبود و پس از اتمام جنگ نیز در طول دوران پهلوی این وضعیت بر کشور حاکم بوده است. اسدالله علم، نخست‌وزیر و یکی از بانفوذترین افراد در دوران پهلوی، بارها از نبود آزادی انتخابات، بی‌ارزش بودن حقوق سیاسی مردم و مداخلات گسترده بیگانگان، دربار و دولت در انتخابات سخن به میان آورده است. وی آن‌گونه که مدعی است، بارها در این باره با خود شاه نیز صحبت کرده است:

چهارشنبه، ۱۹ آذر ۱۳۴۸: شاهنشاه فرمودند: عجیب است که هرکدام به مقامی می‌رسند، همه دوستان و هم‌قدمان را هم فراموش می‌کنند که هیچ، میل دارند تمام کارهایشان را به وسیله زورگویی و مثلاً دستگاه‌های امنیتی از پیش ببرند. بعد فرمودند: نمی‌دانم این مردم کی تربیت خواهند شد و چطور می‌توان آن‌ها را تربیت کرد. من جسارت کردم و عرض کردم: متأسفانه در راه آن هم نیستیم؛ زیرا اولین قدم در راه تربیت اجتماعی، احترام گذاشتن به حقوق دیگر مردم است و ما در جهت این‌که این اولین قدم را برداریم، نیستیم. فرمودند: چطور؟ عرض کردم: هیئت حاکمه در درجه اول باید متوجه این امر باشد تا کم‌کم مردم عادت بکنند. هیئت حاکمه که در زیر سایه قدرت اعلی حضرت مصون از هرگونه انتقادی است. تکلیف احزاب و مجلسین هم که معلوم است. عده‌ای از مردم به این حزب و عده‌ای دیگر به آن حزب رفته‌اند و کشور را هم بین خودشان تقسیم کرده‌اند. وکلای آن‌ها هم می‌دانند به جای فکر آرای مردم، باید مسئولین حزب را... مالی<sup>۲</sup> کنند. دیگر مردم چه معنی دارند؟ فرماندار و استاندار هم که حزبی هستند، دستور حزب را اجرا می‌کنند. چه کار دارند به آرای مردم؟! این است

۱. محمدرضا پهلوی، *پاسخ به تاریخ*، ص ۱۱۶-۱۱۸.  
 ۲. اسدالله علم در این جا از اصطلاحی استفاده کرده است که از بیان آن معذوریم.

که وکیل هم کار ندارد به آرای مردم. مردم هم به او کار ندارند و در نتیجه، بین مردم یک نوع Indifference [بی‌اعتنائی] به وجود آمده است و روز به روز بیشتر می‌شود. من کار ندارم که برای پیشرفت مردم کشور واقعاً این رویه لازم بود؛ ولی حالا که کارها روی غلتک خودش است، چرا اجازه نمی‌فرماید انتخابات واقعاً متکی بر آرای مردم باشد؟ گور پدر این حزب یا آن حزب. انتخابات شهرداری‌ها آزاد باشد. انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی... آزاد انجام بشود. آن دوره شرب الیهود که این‌ها واقعاً بتوانند به اساس مملکت صدمه بزنند که زیر سایه شما از بین رفت. لا اقل [دستگاه‌های دولتی یاد می‌گیرند] که دیگران هم حق دارند کم‌کم در جامعه پیدا بشوند؛ و الاً حالا چنان‌که سابقاً ادیب‌الممالک از روی کمال دل سوختگی گفته است، اخلاق ایرانی این است: عاجز و مسکین هرچه ظالم و بدخواه / ظالم و بدخواه هرچه عاجز و مسکین. شاه با دقت به عرایض من گوش دادند و فرمودند: اگر مراقبت نشود، همه چیز به هم می‌ریزد. عرض کردم: درست است، مراقبت باید بشود؛ ولی بالأخره مملکت هم چنان‌که علاقه باطنی و عمیق شماست، باید پایه و مایه بگیرد. خدا به شاه عمر بدهد. تصدیق فرمودند. من باز هم ادامه دادم و عرض کردم: شاهنشاه را حالا همه مردم قبول دارند. بدخواه‌ترین مردم هم شما را قبول دارند، زیرا منافع همه مردم در بقا و سلامتی شخص شاهنشاه است. باید از این موقعیت حداکثر استفاده را کرد که مردم هم خودشان را در همه چیز سهیم و شریک بدانند؛ وگرنه به قول سعدی: در عهد تومی بینم آرام خلق / پس از توندانم سرانجام خلق. شاهنشاه خیلی خیلی به عرایض من توجه فرمودند که کاملاً بی سابقه بود. سخن کزدل برون آید، نشیند لاجرم در دل<sup>۱</sup>.

عَلَم در جای دیگری با صراحت بیشتر از بی‌اعتنائی به حقوق مردم و بی‌محتوایی انتخابات سخن گفته است:

شنبه، ۱۷ شهریور ۱۳۵۲: دولت، خود را در پناه این مرد بزرگ قرار می‌دهد و طرز رفتاری که با مردم دارد، مثل دولت غالب به مردم کشور مغلوب است؛ بی‌اعتنا

و گاهی هم Aggressive [خشونت‌آمیز]. انتخابات را که مداخله می‌کند و انگشت می‌برد. انگشت که چه عرض کنم؟ به مردم حقنه می‌کند؛ حتی انتخابات ده و شهر را. برای مردم و برای علاقه مردم چیزی باقی نمی‌ماند. همه بی تفاوت می‌شوند.<sup>۱</sup>

جالب این‌که حتی در یادداشت‌های سال ۱۳۵۴، علم که مدعی است وضعیت برگزاری انتخابات بهتر از گذشته شده است و انتخابات با آزادی نسبی برگزار می‌شود، ناگهان به مواردی اشاره شده که نقض این‌گونه ادعاها را آشکار می‌سازد:

جمعه، ۱۵ فروردین ۱۳۵۴: مطلبی نخست‌وزیر، امیرعباس هویدا، در کیش به من گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن، این بود که گفت هر کسی را از هر جا بخواهی، من وکیل خواهم کرد. هر کس باشد، هیچ فکر نکن. به من بگو تمام می‌کنم.<sup>۲</sup>

او در جای دیگر، شدت ناراحتی خود را از وضعیت انتخابات فرمایشی و فساد طبقه حاکم بیان می‌کند:

سه‌شنبه، ۱۷ تیر ۱۳۵۴: ... بر پدر این انتخابات لعنت که پیش و بعد از آن دردسر دارد. حالا سناتورهای شکست خورده سر وقت می‌آیند. می‌خواهند انتصابی شوند. کلاً سی سناتور [انتصابی] داریم که همه سر جای خودشان هستند، جز امیرحسین خزیمه علم که در خراسان بود و حسب الامر همایونی دنبال انتخابی کرمان رفت و خوش بختانه موفق شد و یک انتصابی شیراز هم مرحوم علیقلی هدایت که فوت کرده است. همین دو جای خالی هست و علاوه بر شکست خوردگان این دوره (سی نفر) در انتخابات نُهصد نفر داوطلب دیگر و این نُهصد نفر همگی جای این دو نفر را می‌خواهند؛ البته بعضی‌ها می‌خواهند که یک عده را ما کنار بگذاریم و آن‌ها را جای آن‌ها بگذاریم و عجب این است که لیست‌هایی با ذکر دلایلی که این‌ها چقدر بد و پدروسوخته هستند و باید کنار

۱. همان، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۳.



فصل اول: چرایی شرکت در انتخابات: پاسخ به چند شبهه ذهنی ۲۵

بروند، خیلی خیلی محرمانه به ما می دهند. واقعاً قشربالای جامعه ما افسد الناس هستند!<sup>۱</sup>

ب. آزادی بیان (مطبوعات)

وضعیت «آزادی بیان» نیز مانند انتخابات به شدت اسفناک بود. ساواک، مخوفترین سازمان زمان شاه، با کوچکترین مخالفتی به شدت برخورد می کرد. مخالفان را به بدترین صورت شکنجه می داد و بسیاری را به شهادت رساند. مجله تایم در تاریخ نوزدهم فوریه ۱۹۷۹ میلادی درباره ساواک می نویسد:

ساواک، نفرت انگیزترین و مخوفترین نهاد حکومتی در بین مردم به شمار می آمد و با داشتن قدرت های نامحدود برای دستگیری و بازجویی، هزاران مخالف شاه را شکنجه و به قتل رسانده است.<sup>۲</sup>

☰
TIME
Subscribe

The 5,000-member Iranian secret police force SAVAK (a contraction of the Farsi words for security and information organization) has long been Iran's most hated and feared institution. With virtually unlimited powers to arrest and interrogate, SAVAK has tortured and murdered thousands of the Shah's opponents. Last week, in fulfillment of a promise made by Prime Minister Shahpour Bakhtiar, the assembly approved a bill abolishing SAVAK and establishing a new National Intelligence Center, without police powers. The No. 2 man in SAVAK agreed to an unprecedented interview with TIME Correspondent David S. Jackson at the organization's heavily guarded, ...

تصویر شماره ۱: گزارش نشریه «تایم» درباره ساواک و جنایت های آن

فدراسیون دانشمندان امریکایی (FAS) در گزارشی با عنوان «وزارت امنیت ساواک»<sup>۳</sup> می نویسد:

ساواک به طور چشم گیری نماد حکومت شاه از ۱۹۶۳ - ۱۹۷۹، یعنی دوره فساد در خانواده سلطنتی، حکومت یک طرفه، شکنجه و اعدام هزاران زندانی سیاسی، سرکوب مخالفان و بیگانگی توده های مذهبی بود. ... روش های شکنجه ساواک شامل شوک الکتریکی، شلاق زدن، ضرب و شتم، قرار دادن

۱. همان، ص ۱۶۷-۱۶۸.

2. <http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,912364,00.html#>.

3. Ministry of Security SAVAK.

لیوان بروکون و ریختن آب جوش در روده از طریق مقعد، اتصال وزنه به بیضه‌ها و کندن دندان و ناخن بود. بسیاری از این فعالیت‌ها بدون هیچ‌گونه نظارت مؤسساتی انجام شده است.<sup>۱</sup>

فضای حاکم بر کشور در دوران پهلوی به شدت در تضاد با آزادی بود. این فضا حتی مورد انتقاد دربار قرار می‌گرفت. اسدالله علم، وزیر دربار و یکی از نخست وزیران شاه، در خاطرات روز ۴ تیر ۵۲ خود می‌نویسد:

... مخبرِ دیلی تلگراف و مخبرِ گاردین را که می‌خواهند مقالات مفصلی راجع به ایران بنویسند، برای سه ساعت ملاقات و مصاحبه کردم. واقعاً خسته شدم...  
مخبرِ دیلی تلگراف سؤال کرد: چرا به مردم آزادی بیان و قلم نمی‌دهید؟ من جواب دادم: وقتی مردم آنچه خواسته‌اند به دست بیاورند به دست آورده‌اند (در نتیجه انقلاب شاه و ملت)، دیگری خواهند چه بگویند؟ اما به طوری از این جواب خودم خجل بودم که حدی نداشت؛ مثل جواب کشورهای کمونیستی بود. ولی چیز دیگری نمی‌توانستم بگویم. البته خودم هم عقیده من این است که با آن نوع آزادی‌های سیستم اروپا، کار ما و کشورهای شرقی به سامان می‌رسد و این مطلب را همه جا گفته و می‌گویم.<sup>۲</sup>

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، عضو هیئت علمی دانشگاه آکسفورد، در کتاب *اقتصاد سیاسی ایران* می‌گوید:

شاه چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی، در موقعیت قدرتمندی قرار داشت و یارای مقابله با مخالفانش را داشت. گرایش سنتی مذهبی نیز با گفتارها و گاه نوشتارهای خود بر ضد اصلاحات ارضی و «حقوق زنان» (به راستی که حتی مردان از هیچ‌گونه حقوق سیاسی برخوردار نبودند، چه رسد به زنان!) موقعیت تبلیغاتی شاه را تقویت می‌کرد. ... در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، شورش‌های وسیعی سراسر کشور را فراگرفت. شاه به کاخ سعدآباد رفت و چنان‌که روزنامه

1. <https://web.archive.org/web/20121004210413/http://www.fas.org/irp/world/iran/savak/index.html>.

۲. امیراسدالله علم، *یادداشت‌های علم*، ج ۳، انتشارات معین، تهران، ۱۳۹۸، ص ۸۷.



دیلی تلگراف پیروزمندانه در صفحه اول خود اعلام کرد: به سربازانش فرمان «آتش به قصد کشت» را داد. کشتار سه روز ادامه داشت تا سرانجام مردم برآن شدند که این بار دیگر به اندازه کافی قربانی داده‌اند. برآورد قابل اطمینانی از تعداد مجروحان و کشته‌ها در دست نیست؛ از جمله به این دلیل که آن‌ها را، زنده یا مرده، به سرعت از خیابان‌ها جمع‌آوری و در گورهای دسته جمعی مدفون کرده یا از هوا به دریاچه غیرقابل دسترس حوض السلطان، بین تهران و قم، فرو انداختند. تعداد مقتولان طبق آمارهای رسمی کمتر از ۹۰ نفر (!) و بنا بر آمارهای غیررسمی بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ برآورد شده است. رقم مزبور برای کل کشور بایستی حداقل بالغ بر چند هزار نفر بوده باشد.<sup>۱</sup>

اودر جای دیگر کتاب می‌آورد:

چند هفته پس از بازگشت شاه به ایران، شاه و عواملش برای وادار کردن امینی به استعفا، دام بزرگی در مقابل جبهه ملی پهن کردند و جبهه هم به روال متعارف خود در آن افتاده. در اول بهمن ۱۳۴۱، گروهی از کماندوهای ارتش با تجهیزات کامل به دانشگاه تهران یورش بردند و تظاهرات بزرگی را که در صحن آن جریان داشت، برهم زدند؛ بسیاری از زنان و مردان جوان را وحشیانه زدند و مجروح و ناقص کردند؛ به دانشکده‌ها وارد شدند و درها و پنجره‌ها و وسایل آزمایشگاهی را شکستند و دانشجویان و میز و صندلی‌ها و کتاب‌های کتابخانه‌ها را از پنجره به بیرون پرتاب کردند. این یورش که از مدت‌ها پیش تدارک آن دیده شده بود، هدفی دوگانه داشت: دادن درس سختی به دانشجویان و مهم‌تر از آن: سرنگون کردن دولت. هدف مشخص تظاهرات، اعتراض علیه اخراج یک یا دو دانش‌آموز به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی بود... یورش کماندوها چنان وحشیانه و همه‌جانبه بود که رئیس و شورای دانشگاه استعفا دادند و اعلام کردند که از حمله مغول به این طرف، چنین رفتاری بی سابقه بوده است.<sup>۲</sup>

دیکتاتوری شاه به حدی بود که حتی کوچک‌ترین انتقادی را تاب نمی‌آورد. اسدالله

۱. محمد علی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۸، چاپ بیست و چهارم، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۲. همان، ص ۲۶۹.

عَلَم در خاطراتش نقل می‌کند:

شنبه، ۳۱ تیر ۱۳۵۱: یک دفعه برگشتند فرمودند: این دکتر کنی، رئیس و دبیر کل حزب مردم، چه غلط‌هایی کرده است؟ عرض کردم: نمی‌دانم. فرمودند: بلی، در اصفهان میتینگ داده و گفته است این دولت یک دولت ارتجاعی است و به علاوه، اگر انتخابات شهرداری‌ها و انجمن‌های ولایتی آزاد باشد، حزب ما خواهد برد. اولاً، چطور به خود جرئت داده است بگوید دولت من دولت ارتجاعی است؟ ثانیاً، چطور ممکن است تفوه به این حرف بکند که انتخابات در سلطنت من آزاد نیست؟ عرض کردم: من که خبر نداشتم چه گفته است؛ ولی رئیس حزب اقلیت یک چیزی که باید بگوید. هر چه می‌گوید، اگر شاهنشاه tolerance [بردباری] نداشته باشد، البته برخوردار است و به ابروی یار برمی‌خورد.<sup>۱</sup>

با تعویض دبیر کل این حزب و برگزیدن «ناصر عامری» به جای «کنی» نیز تغییری در وضعیت به وجود نیامد و کوچک‌ترین سخنان انتقادی یا حتی پیشنهادهای اصلاحی این دبیر کل هم با خشم و عصبانیت شاه مواجه می‌شد:

یک شنبه، ۲۷ آبان ۱۳۵۲: صبح زود ناصر عامری، دبیر کل حزب مردم که جای دکتر کنی است، با سیل‌های آویزان پیش من آمد که از نطق‌های من در گرگان که گفته‌ام باید تحصیلات و معالجه برای مردم مجانی باشد، شاهنشاه عصبانی شده‌اند... حالا هم اجازه شرفیابی خواسته‌ام، به من نمی‌دهند. چه خاکی به سر بریزم؟ در دلم خیلی خندیدم... در دلم گفتم: ... کجایش را خوانده‌ای؟<sup>۲</sup>

عَلَم دوازده روز بعد، این ماجرا را برای شاه تعریف می‌کند و با واکنش عجیب شاه مواجه می‌شود:

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۵۲: صبح بدبخت عامری، دبیر کل حزب مردم را پذیرفته بودم. عرض کردم: حالا تکلیف بیچاره چیست؟ فرمودند: نمی‌دانم. هر غلطی می‌خواهد، بکند. عرض کردم: اگر نظر مبارک آن است که به کلی این حزب

۱. امیراسدالله علم، یادداشت‌های علم، ج ۲، انتشارات معین، تهران، ۱۳۹۸، ص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۴.

از بین برود مطلب دیگری است؛ وگرنه این طور که نمی شود. بالأخره آن قدر اصرار کردم که تکلیفی برای او روشن شد؛ یعنی برود در آذربایجان بگوید من گه خوردم. در گرگان اشتباه کرده بودم؛ گرچه مساوی با از بین رفتن است، ولی لااقل تکلیفش روشن می شود.<sup>۱</sup>

عامری چند روز بعد این کار را می کند. علم می نویسد:

دوشنبه، ۵ آذر ۱۳۵۲: نطق دبیرکل حزب مردم را در تبریز دادم ملاحظه فرمودند که تقریباً گفته بود در گرگان گه خوردم. فرمودند: خوب است.<sup>۲</sup>

گاهی نیز علم به خاطر رفتارهای کاملاً خلاف قواعد بازی با حزب اقلیت، کلافه و تا حدی عصبانی شده و با دلخوری موضوع را با شاه در میان گذاشته است:

پنجشنبه، ۱۷ مرداد ۱۳۵۳: عرض کردم: رئیس حزب مردم، بدبخت عامری، عرض می کند مقرری ما را دولت بریده. من که پولی ندارم که چرخ حزب را بگردانم. فرمودند: البته باید بیژد. ایشان که ادعا می کنند بین مردم اکثریت مطلق دارند، بروند پولشان را هم از مردم بگیرند. من عرض کردم: بدبخت اگر این ادعا را هم نکنند، پس چه بکنند؟ انتقاد که نمی تواند بکند، دست کسی را هم که نمی تواند بگیرد و کمکی به کسی بکند، این حرف را هم نزنند؟<sup>۳</sup>

توصیفی که علم از زبان حال دبیرکل حزب مردم راجع به این حزب بیان کرده، در عین کوتاهی، بسیار گویاست:

یکشنبه، ۱۱ اسفند ۱۳۵۳: بیچاره ناصر عامری، دبیرکل سابق حزب مردم که یک ماه قبل در اکسیدان اتومبیل کشته شد، آن قدر عاجز شده بود که دائماً التماس می کرد: یا بکش یا چینه ده یا از قفس آزاد کن.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۰۷.

۴. همان، ص ۳۹۷.

## مطبوعات

مسئله «آزادی مطبوعات» یکی دیگر از موضوعات مهم حوزه فعالیت‌های سیاسی است. وقتی فضای احزاب سیاسی که توسط شخص شاه ایجاد شده بود، به قول عَلم «مسخره اندر مسخره اندر مسخره است»، طبیعی است فضای مطبوعات که از احزاب سیاسی ضعیف‌تر بودند و حتی بعضاً اخبار احزاب را منتشر می‌کردند، به مراتب وضعیت بدتری داشته باشند؛ تا جایی که حتی وقتی مطبوعات بنا به فرمان شاهانه چاره‌ای جز چاپ یک عکس نداشتند، گویا برای طبع دیکتاتوری شاه خوش آیند نبود و به طور خلق‌الساعه دستور تغییر می‌یافت؛ لذا به این بهانه محقر، به زندان می‌افتادند و عَلم تحقیقات چندروزه‌ای در این باره انجام می‌داد که خود، بُعد دیگری از نحوه مواجهه دیکتاتوری با آزادی مطبوعات است:

یک‌شنبه، ۲۰ خرداد ۱۳۵۲: ... به منزل برگشتم. به محض ورود، شاهنشاه تلفن فرمودند که بین چه عکسی پدرسوخته‌ها در روزنامه‌ها از من و هیوم چاپ کرده‌اند. مثل این‌که من دارم به هیوم تعظیم می‌کنم. باید پدر این‌ها را در بیآوری. من فوری مشغول تحقیق شدم. معلوم شد [یک] وقتی شاهنشاه امر فرموده بودند هنگام تقدیم استوارنامه سفر، عکس‌هایی که سفر را زیاد در حال تعظیم نشان می‌دهد، چاپ نکنند؛ به این دلیل ... روزنامه [از دو عکس موجود] آن یکی را چاپ کرده است. باری، به هر صورت همه مسئولین را، از سردبیر روزنامه اطلاعات تا مسئول کانون خبرنگاران عکاس، همه را گرفتم تا ببینم نتیجه تحقیقات بعد چه می‌شود؛ ولی از این عمل خودم بسیار ناراحت هستم ...<sup>۱</sup>

دوشنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۵۲: ... صبح به اختصار شرفیاب شدم. جریان تحقیقات راجع به عکاسها را عرض کردم؛ ولی هنوز نتوانستم نتیجه‌گیری کنم ...<sup>۲</sup>

سه‌شنبه، ۲۲ خرداد ۱۳۵۲: ... صبح شرفیاب شدم. باز هم تحقیقاتی که در مورد عکس‌های روزنامه کرده بودم، به عرض رساندم.<sup>۳</sup>

۱. همان، ج. ۳، ص. ۷۳.

۲. همان، ص. ۷۴.

۳. همان.



چهارشنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۵۲: ... کارهای جاری را عرض کردم و مرخص شدم و اجازه گرفتم که فردا به کیش بروم. چون شاهنشاه سرحال بودند... عرض کردم: دستور دادم روزنامه‌ها عکس‌های تعظیم هیوم را بگذارند که گذاشته‌اند و اینک تقدیم می‌کنم. ملاحظه می‌فرمایید؛ ولی باید عرض کنم آن بدبخت‌ها را که گرفته‌ایم، کاملاً بی‌تقصیر هستند و اگر آن‌ها را در حبس نگه داریم، واقعاً ظلم کرده‌ایم. فرمودند: آزادشان کنید. خیلی خوش حال شدم. مرخص شده، فوری امر را اجرا کردم و به ساواک دستورات مقتضی دادم!...

بحث سانسور در مطبوعات، بحث دائمی دوران پهلوی بود؛ که مناسب است نمونه ابلاغیه‌های موجود در خصوص اعمال سانسور ملاحظه شود:

- سینماهای قزوین را بر اثر تقاضای افزایش بلیت تعطیل کردند (چاپ نشود).
- خبرگزاری رویترز از پیشاور خبری مخابره کرده است که بعضی قبایل علیه دولت قیام کرده‌اند. البته علت قیام، اعتراض به اصلاحات ارضی است که در پاکستان اجرا شده (قابل چاپ نیست).
- در مورد نامه‌ها، شکایات کارگران و کارمندان که به هر علت و سببی از کارخانجات و ادارات اخراج می‌شوند هیچ نوع خبر، مطلب، نامه‌ وارده و شکواییه نباید چاپ و منتشر شود.
- خبر روزنامه‌های صبح در مورد به‌گروگان گرفتن شانزده یهودی در واشنگتن تیتراول نشود، بلکه در ستون باشد.
- خبر مشروح شهرک دانشگاهیان همراه عکس چاپ شود.
- هیچ‌گونه مطلب، خبر و تفسیر پیرامون تغییر ساعت، به هیچ وجه چاپ نشود.
- برادر آقای گنجی، وزیر آموزش و پرورش، در تهران فوت شده. چون وزیر آموزش و پرورش در تهران نیست، هیچ خبری حتی به صورت آگهی قابل چاپ نیست.
- مطالب ضد مائو بعد از این دیگر چاپ نشود.

- اظهارات سناتور لاجوردی در مورد احتمال زلزله در تهران و اثر آن روی ساختمان‌های فعلی قابل چاپ نیست.
  - خبرها و هم‌چنین گزارش‌ها و مطالبی دربارهٔ این‌که بوتو حکومت شریعت اسلامی را قبول کرد، کاباره‌ها، میکده‌ها و کازینوها در پاکستان تعطیل شد و در آینده ایدئولوژی اسلامی در پاکستان حکومت خواهد کرد، به هیچ وجه در خبرها، مطالب، گزارش‌ها و تفسیرهای مربوط به پاکستان نباید منعکس شود؛ حتی اگر به زبان خود بوتو باشد.
  - عکس ملاقات کفیل وزارت اطلاعات بحرین با وزیر اطلاعات حتماً امروز چاپ شود.
  - راجع به اجساد مومیایی حتی یک کلمه خبر و مطلب دیگر چاپ نشود.
  - آسوشیتدپرس از لندن خبر داده است که دولت انگلستان به دستگیری سازمان سیا، دولت دکتر مصدق را سرنگون کرد. این مطلب را اخیراً یک روزنامه نگار فرانسوی نوشته است (چاپ نشود).
  - هفت کوه‌نورد در کرج سقوط کرده و کشته شده‌اند (این خبر قابل چاپ نیست).
  - راجع به سالروز قتل عام ارامنه هیچ گونه خبر، مطلب و عکسی قابل چاپ نیست.
  - در مورد شیوع وبا در همدان و اطراف که تلفات هم داشته، مطلبی چاپ نشود.<sup>۱</sup>
- با تمام این تهدیدها، نظام شاهنشاهی، جرایم موجود را تحمل نمی‌کرد و در سال ۵۳ دستور تعطیلی و توقیف بیش از پنجاه روزنامه و مجله صادر شد و به اجرا درآمد!<sup>۲</sup>
- هراسی حاکم بر جامعه تا بدان جا رسیده بود که برخی از مردم و حتی افراد سرشناس، از ترس مورد غضب قرار گرفتن دق کرده و از دنیا می‌رفتند. برای نمونه، زمانی که روزنامه *اطلاعات* در ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۳ خبر مرگ مسعودی را منتشر کرد، اشاره‌ای به علت سکتتهٔ او نکرد؛ ولی مطالعهٔ حادثه‌ای که چند روز قبل از آن، بین عباس مسعودی و اسدالله علم گذشته بود، شاید بتواند در روشن شدن علت سکتتهٔ منجر به فوت بنیان‌گذار روزنامه *اطلاعات* مؤثر باشد.

۱. جواد مجابی، سخن در حلقه زنجیر، انتشارات سمندر، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۴-۱۵.

۲. محمد طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ص ۷۹۵.



عباس مسعودی، بنیان‌گذار روزنامه *اطلاعات*، که از سال ۱۳۱۴ به بعد شش دوره نماینده مجلس شورای ملی، چهار دوره سناتور انتخابی و دو دوره سناتور انتصابی تهران بود، یکی از همین اشخاص بود که در اواخر عمر مورد بی‌مهری قرار گرفت و یکی از دلایل آن هم ظاهراً سعایت هویدا بود. امیراسدالله علم در یادداشت روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ۱۳۵۳، به این بی‌مهری اشاره کرده و از آن جمله در یادداشت روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۳ می‌نویسد:

سرشام رفتیم. شاهنشاه خیلی عصبانی فرمودند: این مسعودی (مدیر روزنامه اطلاعات) را از دور می‌بینم و شاخ و شانه می‌کشد که بیاید با من حرف بزند (در کاخ علیاحضرت ملکه پهلوی، شاهنشاه و خاندان سلطنت جدا شام می‌خورند. میهمان‌ها در سالن دیگر، من هم در حضور شاهنشاه شام می‌خورم). شاهنشاه فرمودند: ... روزنامه اطلاعات ارگان مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها شده؛ مثلاً امروز از قول تاکسیران‌ها نوشته است که ما مثل سگ زحمت می‌کشیم و این شرکت تعاونی تمام عایدات ما را می‌خورد. مگر شرکت تعاونی مال کیست؟ آن هم که مال خودشان (یعنی تاکسیران‌ها) است. چون عده‌ای مثل دامادها و علیاحضرت شهبانو سر میز شام بودند، من جرئت نکردم یک و دو بکنم و عرض کردم: خوب روزنامه باید مطلب را بگوید و جواب هم داده شود و آن را هم منعکس بکند. به هر صورت برخاستم و به بدبخت مسعودی گفتم که حق ندارد شرفیاب بشود و بعد از این هم در کاخ علیاحضرت ملکه پهلوی دعوت نخواهد شد. چیزی نمانده بود که سخته کند، ولی چون آدم مجرّبی است، گفتم: پریشب در همین جا مطلبی را شاهنشاه به من فرمودند که برخلاف میل هویدا بود و اصرار فرمودند که به وزیر اطلاعات هم بگویم. من هرگز از این غلط‌ها نمی‌کردم، ولی چون امر بود اطاعت کردم. گویا مطلب به هویدا نخست‌وزیر گران آمده و مطلبی به شاهنشاه عرض کرده و به هر حال من چوب این کار را می‌خورم...!

صبح روز بعد، مسعودی نامه‌ای به اسدالله علم می‌نویسد که علم عین آن را ضمیمه

یادداشت‌های خود کرده است. مسعودی در این نامه می‌نویسد:

جناب آقای علم، وزیر محترم دربار شاهنشاهی! اوامر مطاع ملوکانه که دیشب به بنده ابلاغ فرمودید، تازیانۀ سهمگینی بود که بر چاکرو خانمم وارد آمد و باور بفرمایید تمام شب خواب به چشم ما نرفت، چون من و زنم خودمان را خاکسار درگاه سلطنت می‌دانیم و از جان و دل شیفته‌ عنایات شاهنشاه محبوب خود و خاندان سلطنت هستیم و اگر نقایصی در کار انتشار اخبار و مطالب روزنامه پدید می‌آید، حمل به اهمال و تعلل چاکر نفرمایید، چون پیوسته سعی داشته و دارم که خدمت‌گزاری صدیق در طول عمر خود بوده و پیرو افکار و نیت مبارک شاهانه هستم. در چنین پیشامدهایی گناه‌کار نیستم، چون به واسطۀ کهولت و ضعف، توانایی آن را ندارم که تمام مطالب روزنامه را شخصاً کنترل کنم و به همین سبب، فرزندم فرهاد مسعودی را به کمک طلبیدم که او هم در کمال خلوص نیت و عقیده، وظایف خود را انجام می‌دهد. متأسفانه در دو هفته‌ اخیر که به اروپا سفر کرده بود، خطاهایی از جمله خطاهای اخیر به وقوع پیوست که چاکر خود پس از طبع و نشر به آن واقف شدم. نویسنده‌ ستون بازار سیاست، جوانی است تحصیل کرده و باذوق که از گذشته‌ها خبر ندارد و مارهای خوش‌خط و خالی را که از هر فرصتی می‌خواهند استفاده کنند نمی‌شناسد؛ چنان‌که بعد از توجه دادن، تازه درک مطلب کرد و در ضمن گفت این مطلب یا همین اسامی قبلاً در آیندگان هم چاپ شده بود. اما درباره‌ نویسنده‌ رپرتاژ تاکسی؛ او هم مورد سرزنش قرار گرفت و شدیداً مؤاخذه شد... بدیهی است مطالب زنده‌ای که نوشته شده جبران خواهد شد. تکدر خاطر ملوکانه بیش از هر چیز مرا رنج می‌دهد و نمی‌دانم چه باید کرد، چون به خوبی می‌دانم که اگر ذره‌ای از عنایات شاهنشاه نسبت به این خدمت‌گزار کاسته شود و سایه‌ پر عطف مبارک بر سر این بنده نیابد، با وجود دشمنی‌ها که نسبت به چاکر اعمال می‌شود، نابود خواهم شد.

آقای علم، شما را به سر مبارک شاهنشاه قسم می‌دهم عرایض چاکر را به سمع ملوکانه برسانید و چاره‌ای بیندیشید که از این پریشانی و تأثر خلاص شوم. هر





امری از پیشگاه ملوکانه شرف صدور یابد، مطاع است. عباس مسعودی.<sup>۱</sup>

عَلَم در یادداشت روز ۱۶ خرداد ۱۳۵۳ خود به واکنش شاه در برابر این نامه اشاره کرده و می نویسد:

نامه بدبخت مسعودی را دادم خواندند. فرمودند: مسئله عفو شما بسته به رفتار آینده شما خواهد بود.<sup>۲</sup>

عباس مسعودی یازده روز پس از این ماجرا در پشت میزش سکنه کرد و ناراحتی و اضطراب او از عواقب خشم شاهانه، در مرگ نابهنگام وی (۲۷ خرداد ۱۳۵۳) بی تأثیر نبود. عَلَم در یادداشت های خود می نویسد:

وقتی خبر مرگ مسعودی را به شاه اطلاع دادم، با یادآوری بی مرحمتی که در حق او شده بود از شاه اجازه گرفتم در مجلس ختم وی شرکت کنم و مراتب تفقد اعلی حضرت را به خانواده مسعودی ابلاغ نمایم.<sup>۳</sup>

### ج. احزاب

فعالیت احزاب در دوران پهلوی اُفت و خیزهای فراوانی داشت و فعالیت سیاسی سازمانی هیچ گونه ثباتی نداشت. خفقان سیاسی در این دوران به حدی بود که در نهایت به دو حزب «مردم» به رهبری اسدالله اعلم و «ایران نوین» به جای حزب «ملیون» توسط حسن علی منصور با حمایت شاه تشکیل شد و در انتها به دستور شاه، دو حزب منحل و تنها حزب «رستاخیز» به عنوان تنها حزب کشور معرفی شد؛ حزبی که علی رغم ادعای مردمی بودن، نقش شاه در آن نقش اصلی بود. در جواب انتقاد به عملکرد شاه و تحمیلی بودن احزاب، شاه مردم ایران را دارای سواد لازم برای شناخت درست و تشکیل حزب از درون مردم ندانست.<sup>۴</sup> محمدرضا شاه هنگام معرفی حزب

۱. همان، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۴. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، ۱۳۵۳، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

رستاخیز به عنوان تنها حزب در کشور، به منتقدان گفت:

کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و مؤمن به این سه اصلی که من گفتم نباشد، دو راه برایش وجود دارد: یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیرقانونی، یعنی به اصطلاح خودمان توده‌ای، یعنی باز به اصطلاح خودمان و با قدرت اثبات: بی‌وطن. او جایش یا در زندان ایران است، یا اگر بخواهد، فردا با کمال میل، بدون اخذ عوارض، گذرنامه در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش می‌خواهد، برود، چون ایرانی که نیست.<sup>۱</sup>

و در جایی دیگر گفت:

آن‌هایی که به رستاخیز نمی‌پیوندند، باید از هواداران حزب توده باشند. این خائنان یا باید به زندان بروند یا این‌که همین فردا کشور را ترک کنند...<sup>۲</sup>

این در حالی بود که شاه هنگام دوحزبی شدن، در جواب منتقدین گفته بود:

اگر من یک دیکتاتور بودم تا پادشاه مشروطه، می‌بایست وسوسه می‌شدم تا همانند هیتلر یا مانند آنچه امروزه در کشورهای کمونیستی می‌بینید، حزب واحد مسلطی تشکیل دهم. اما من به عنوان یک پادشاه مشروطه، آن توان و جسارت را دارم که فعالیت‌های حزبی گسترده به دور از خفقان نظام یا دولت تک حزبی را تشویق کنم.<sup>۳</sup>

این رویه خفقان و سرکوب شدید فعالیت‌های سیاسی پس از جمهوری اسلامی به کلی تغییر کرده و با رویکردی آزاداندیشانه زمینه فعالیت و بیان آزادانه گروه‌های مختلف فراهم شده است؛ به گونه‌ای که تا تیرماه ۱۳۹۷، ۲۴۸ تشکل سیاسی در جمهوری اسلامی وجود داشته که آزادانه و با مجوز قانونی در حال فعالیت هستند.<sup>۴</sup>

۱. روزنامه/اطلاعات، ۱۳۵۳/۲/۱۲.

۲. کیهان انترناسیونال، ۸ مارس، ۱۹۷۵؛ هم‌چنین نقل قول شده توسط فیتزجرالد، «Giving the Shah what he wants»، ص ۸۲.

۳. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، چاپ لندن، ۱۹۶۱، ص ۱۷۳.

۴. عبدالرضارحمانی فضل، وزیر کشور، در همایش سراسری مجریان برگزاری انتخابات ۱۳۹۶:



## آزادی در جمهوری اسلامی

### الف. انتخابات

#### انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های «جمهوریت» در کشور، برگزاری انتخابات‌هایی است که توسط آن به طور مستقیم و غیرمستقیم، مقامات اصلی در سیاست کشور تعیین می‌شوند. از ابتدای جمهوری اسلامی تا زمان حال، حدود چهل انتخابات مهم در سطح کشور برگزار شده است که بدین ترتیب است:

- انتخابات همه‌پرسی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۰ و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸؛
- انتخابات خبرگان بررسی قانون اساسی در تاریخ ۱۲ مردادماه ۱۳۵۸؛
- انتخابات همه‌پرسی تأیید قانون اساسی در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸؛
- انتخابات همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۶ مردادماه ۱۳۶۸؛
- دوازده دوره انتخابات ریاست جمهوری؛
- یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی؛
- پنج دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا؛
- پنج دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

علاوه بر موارد ذکرشده، انتخابات دیگری ذیل این انتخابات با توجه به شرایط موجود برگزار شده است که شامل: مرحله دوم انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۴) و انتخابات میان‌دروه‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در سال‌های مختلف هستند.

### ب. اقلیت‌ها

نظام جمهوری اسلامی ایران، با الهام از آموزه‌ها و تعالیم حیات بخش اسلام، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در احترام و رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی قائل بوده و این مهم با مراجعه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی

و عملکردها و اقدامات نظام اسلامی بعد از پیروزی انقلاب، در قبال این دسته از هم‌وطنانمان به خوبی قابل اثبات است:

۱. بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی، اقلیت‌های دینی (زرتشتی، کلیمی و مسیحی) به رسمیت شناخته شده‌اند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

۲. اقلیت‌های دینی در برگزاری مراسم و مناسک مذهبی خود آزاد بوده و نظام اسلامی چنین حقی را برای آنان محترم می‌شمارد و آنان می‌توانند به صورت کاملاً آزاد در معابد رسمی خود (کلیسا، کنیسه و...) به انجام مراسم دینی خود بپردازند.

۳. در احوال شخصی و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

۴. بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی، حق تشکّل دارند: «... انجمن‌های ... اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند...» به موجب ماده ۴ قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ «انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است که مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد».

در حال حاضر، اقلیت‌های دینی دارای ۵۸ تشکّل دینی، شامل ۲۹ تشکّل مربوط به زرتشتیان، ۱۶ تشکّل مربوط به ارامنه، ۱۰ تشکّل مربوط به مسیحیان آشوری و ۳ تشکّل مربوط به جامعه کلیمیان در حال فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی هستند و با توجه به تعداد اقلیت‌های دینی در ایران (حدود ۱۵۰ هزار نفر) هم‌وطنان اقلیت‌های دینی به ازای هر ۲۶۰۰ نفر جمعیت، دارای یک انجمن هستند. این انجمن‌ها با هدف حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی اقلیت‌های دینی تأسیس شده‌اند و هر یک به نحوی سرپرستی اموری در حوزه‌های اجتماعی و برگزاری

## فهرست منابع و مآخذ



## منابع لاتین

1. Abrahamian, Ervand, Iran between two revolutions, US: Princeton University Press, 1982.
2. Adelman, Irma, Lessons from (S) Korea, Zagreb International Review of Economics and Business, Vol. 2, No. 2, 1999
3. ALBERTO CHONG, FLORENCIO LOPEZ - DE - SILANES, Privatization In Latin America: Myths And Reality (Latin American Development Forums), Stanford University Press, 2005
4. Atsumi, Toshihiro, A review of Japanese voluntary export restraint (VER) on automobiles, The Papers and Proceedings of Economics 154 ,2017.
5. Baer, Werner and Birch, Melissa, "Privatization and the Changing Role of the State in Latin America", International Law and Politics, 1992
6. Bairoch, Paul, 1993, Economics and World History: Myths and Paradoxes, University of Chicago Press (1995)
7. Banseok, Kwon peter, beyond patron and client: historicizing the dialectics of US-ROK relations amid park chung hee's defense industry development in south korea 1968-1979, seol journal of Korean studies 30.2:185-216, 2017.
8. Banseok, Kwon Peter, Mars and Manna: Defense Industry and the Economic Transformation of Korea under Park Chung Hee, Korea Journal, vol. 58, No. 3, 2017.
9. Brisco, Norris Arthur, The Economic Policy of Robert Walpole, Columbia University, 1907, Original from the University of Michigan, Digitized Aug 1, 2006
10. Burke, Hilary, Argentine inflation "resilient" despite slowing growth, Reuters, August 11, 2012
11. Chang, Ha-Joon, Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism, Bloomsbury, USA, 2007.
12. Chang, Ha-Joon, Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective, Anthem Press, 2002
13. Chaudhuri, Sudip, Government and Economic Development in South Korea, 1961-79, Social Scientist, 1996.

14. CSIS, RUSSIAN ORGANIZED CRIME: GLOBAL ORGANIZED CRIME PROJECT, (Washington, D. C. : Center for Strategic and International Studies, 1997)
15. Cueto Rua, Julio C., "Privatization in Argentina," *Southwestern Journal of Law and Trade in the Americas*, 1994
16. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, B. Blackwell, 1927.
17. Downes, Steven, Putin backs oil re nationalization, *The Times* (Online), 23 December 2004
18. Duménil, Gérard and Lévy, Dominique, *The Crisis of Neoliberalism*, Harvard University Press, 2011.
19. Elderly Suicide Rate On The Increase, *Korea Herald*, (Seoul), October 27, 1999; "Economic Woes Driving More To Suicide", *Korea Times*, (Seoul), April 23, 1998
20. Fitzgerald, Frances, *Giving the Shah what he wants*, Nahḍat-i āzādī-i Irān, 1975
21. Hamilton, Alexander, *Writings*, Joanne B. Freeman, Library of America, Original from the University of Michigan, 2001.
22. Ignatius, David, "Russian Crapshoot," *WASH. POST*, Sept. 1, 1999
23. Katouzian, Homa, *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism 1926-1979*, Palgrave Macmillan UK, 1981.
24. Kim, Eun Mee, *Big Business, Strong State: Collusion and Conflict in South Korean Development, 1960-1990*, state university of New York press, Albany, 1997.
25. Kim, Hyung-A, *Korea's development under park chung hee*, routledge, 2004,
26. Kim, Kwan S., *The Korean Miracle (1962-1980) Revisited: Myths and Realities-in Strategy And Development*, Helen Kellogg Institute for International Studies, University of Notre Dame, 1991.
27. Kindleberger, Charles P, *World Economic Primacy: 1500-1990*, Oxford University Press, USA, 1996.
28. Kindleberger, Charles P, *Manias, Panics and Crashes: A History of Financial Crises*, Palgrave Macmillan, UK, 1978.
29. Klein, Naomi, *The shock doctrine: the rise of disaster capitalism*, Metropolitan Books, 2007.
30. Levine, Yasemin Celik, *Contemporary Turkish Foreign Policy*, Greenwood Publishing Group, 1999.
31. Lloyd, John, "The Russian Devolution," *N. Y. TIMES MAGAZINE*, Aug. 15, 1999
32. *Los Angeles Times*, 12 June, 1990, Section: World Report
33. M. J. Zuckerman, Kevin Johnson, and James Kim, "Murder and intrigue: A dream dies hard in Moscow," *USA Today*, June 9, 1997
34. Macdonald, Donald stone, *US-Korean relations from liberation to self-reliance: the twenty-year record: an interpretive summary of the archives of the US department of state for the period 1945 to 1965*, westview press, 1992.
35. Madison, Angus, *The World Economy: Historical Statistics*, OECD, 2003





36. Miami Herald, 20 December 1992, Business Section
37. Moon, seungsook, militarized modernity and gendered citizenship in south korea, duke university press, 2005.
38. Onder ,Nilgun, Turkey's Experience with Corporatism, Wilfrid Laurier University, Department of Political Science 1990.
39. Onis, Ziya. (2004). Turgut Özal and his Economic Legacy: Turkish Neo-Liberalism in Critical Perspective. Middle Eastern Studies, 2004.
40. PABLO SABA, ROBERTO & MANZETTI, LUIGI, Privatization in Argentina: The implications for corruption, Crime, Law & Social Change 25: 353 - 369, 1997
41. Ramsay, G. A., The English Woollen Industry 1500-1750, Macmillan International Higher Education, UK, 1982, p. 61.
42. Risen, James, "Gore Rejected CIA Evidence of Russian Corruption," N. Y. TIMES, NOV. 23, 1998
43. Russian Privatization Center, 1994 Annual Report
44. Russia's Road to Corruption: How the Clinton Administration Exported Government Instead of Free Enterprise and Failed the Russian People, U. S. House of Representatives, 2000
45. Saunders , Paul J., Testimony before the House Committee on Banking and Financial Services, U. S. House of Representatives, Sept. 15, 1998
46. Starobin, Paul, "Moscow Mirage," NAT'L JOUR. , vol. 31, no. 16, Apr. 17, 1999
47. Teunissen, Jan Joost, Age Akkerman (editors), The crisis that was not prevented: lessons for Argentina, the IMF, and globalization, Fondad, 2003
48. The World Factbook, CIA. Central Intelligence Agency. Retrieved 2017
49. Wedel, Janine, "Tainted Transactions: Harvard, the Chubais Clan and Russia's Ruin," NATIONAL INTEREST, Spring 2000, citing U. S. General Accounting Office, "Foreign Assistance: Harvard Institute for International Development's Work in Russia and Ukraine" (Washington, DC:GAO, Nov. 1996),
50. Yoo, jung-ho, The industrial policy of the 1970s and the evolution of the manufacturing sector in korea, no.9017, korea development institute, 1990.

## منابع فارسی

۵۱. آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی، چاپ ۱۹، ۱۳۹۸.
۵۲. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲.
۵۳. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۵۴. پهلوی، محمدرضا، مأموریت برای وطنم، ۱۳۵۳.
۵۵. جبرائیلی، سید یاسر، دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل، کتاب فردا، ۱۳۹۹،

۵۶. چنگ، ها- جون، نیکوکاران نابکار افسانه‌ی تجارت خارجی آزاد و تاریخچه‌ی پنهان سرمایه‌داری، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمد نبوی، نشر اختران، تهران، ۱۳۹۵.
۵۷. چهل سال علم، فناوری و نوآوری، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، انتشارات دانش بنیان فناور، تهران، ۱۳۹۷
۵۸. سراج، رضا و اخوان، محمد جواد، از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا
۵۹. سریع‌القلم، محمود، بازنگری نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: پارادایم ائتلاف
۶۰. طلوعی، محمد، بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، انتشارات علم، تهران، ۱۳۸۷
۶۱. عبادی، حمید، چالش‌های ایران و آمریکا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱
۶۲. علم، امیراسدالله، یادداشت‌های علم، ج ۱ و ۳ و ۴ و ۵، انتشارات معین، تهران، ۱۳۹۸
۶۳. عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲)، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۲.
۶۴. فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین پورصادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶.
۶۵. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه: تدین
۶۶. کاتوزیان، محمد علی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۶.
۶۷. کلاین، نائومی، دکترین شوک، ظهور سرمایه‌داری فاجعه‌محور
۶۸. گودوین گیل، گای، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، تهران، انتشارات شهردانش
۶۹. مجابی، جواد، سخن در حلقه زنجیر، انتشارات سمندر، تهران، ۱۳۵۷
۷۰. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، سال ۱۳۷۸
۷۱. هالییدی، فرد، پول نفت و جاه‌طلبی‌های کشورها، مؤسسه هادسن، سال ۱۹۷۴ میلادی
۷۲. واعظی، محمود، کنفرانس ملی چشم‌انداز بیست‌ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا
۷۳. وشمه، علی و ترابی‌فارسانی، سهیلا و جدیدی، ناصر، «سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت با تأکید بر روابط ایران و آلمان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ شمسی / ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ میلادی»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، شماره ۳۵، ۱۳۹۶



74. <http://Data.worldbank.org>
75. <http://siteresources.worldbank.org>
76. <https://ourworldindata.org>
77. <https://www.nytimes.com>
78. <https://www.populationpyramid.net>
79. <https://www.wipo.int>
80. <https://www.worldatlas.com>
81. <https://knoema.com>
82. <https://www.scimagojr.com>
83. <https://statnano.com>
84. <http://content.time.com>
85. <http://www.fas.org>
86. <https://www.nbcnewyork.com>
87. <https://www.telegraph.co.uk>
88. <https://edition.cnn.com>
89. <https://www.bbc.com>
90. <https://smartergerman.com>
91. <https://www.idea.int>
92. <https://www.newscientist.com>
93. <http://apps.webofknowledge.com>
94. <https://www.tasnimnews.com>
95. <http://hdr.undp.org>
96. <http://www.undp.org>
97. <https://www.census.gov>
98. <https://researchbriefings.files.parliament.uk>
99. <https://www.insee.fr>
100. <https://www.dw.com>
101. <https://www.oecd.org>
102. <https://www.reuters.com>
103. <https://www.indexmundi.com>
104. <https://www.theguardian.com>
105. <https://gulfbusiness.com>
106. <https://www.bloomberg.com>
107. <https://www.middleeasteye.net>
108. <https://www.moodys.com>
109. <https://www.fitchratings.com>
110. <http://www.newdaily.co.kr>

111. <https://tradingeconomics.Com>
112. <https://artsonline.uwaterloo.Ca>
113. <https://www.theglobaleconomy.com>
114. <http://dolat.ir>
115. <http://iransakht.isti.ir>
116. <http://irna.ir>
117. <https://www.mshrgh.ir>
118. <https://rc.majlis.ir>
119. <https://iransakht.isti.ir>
120. <https://www.inif.ir>
121. [http://humanrights\\_iran.ir](http://humanrights_iran.ir)
122. <https://farsi.khamenei.ir>
123. <https://www.president.ir>
124. <https://www.iribnews.ir>